



سیره تبلیغی پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله (3) تبلیغ گفتاری

پدیدآورده (ها) : عالمی، علیرضا

میان رشته ای :: پیام :: بهار 1389 - شماره 99

از 56 تا 71

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/929652>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی

تاریخ دانلود : 10/03/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

سیره تبلیغی

مسئله اول

(۱۳)

سیره

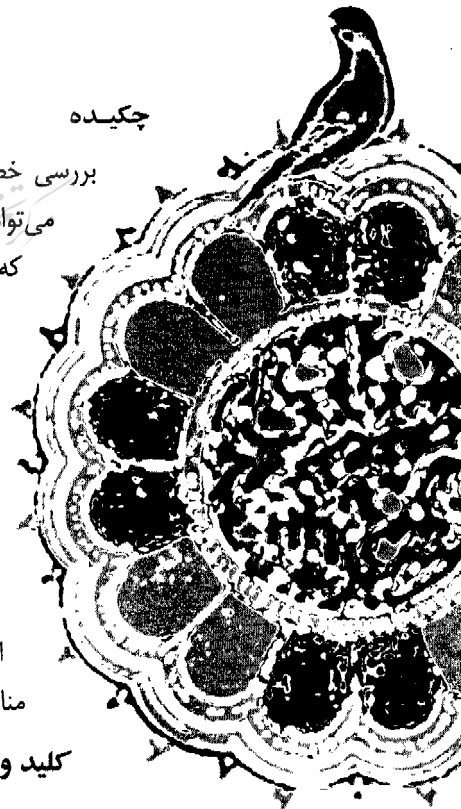
علیرضا عالی*

تبلیغ گفتاری

چکیده

بررسی خط مشی تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران بعثت و ابلاغ رسالت می‌تواند بهترین الگو برای منادیان اسلام و مبلغین شریعت باشد. هرچند که در عصر ارتباطات بوسیله پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها قرار داریم، و تبلیغات در زمره مهمترین و جدی‌ترین مسائل بشر امروزیست، اما آگاهی و شناخت شیوه‌های تبلیغی نبی اکرم صلی الله علیه و آله به‌عنوان انسانی که توانست با کمترین وساده‌ترین امکانات موجود، پیام و رسالت خویش را به همگان برساند، الگوی مناسبی است برای مبلغین دینی تا بتوانند با برنامه‌ریزی و ابتکار عمل از امکانات پیشرفته و بالفعل امروز بهترین شیوه‌های تبلیغی را در جهت انجام رسالت الهی خویش گزینش نمایند. در مقاله حاضر سعی بر آن بوده است که عمده‌ترین شیوه‌های تبلیغ گفتاری پیامبر مکرم اسلام از منابع تاریخی گردآوری، ساماندهی و عرضه گردد.

کلید واژه‌ها: سیره، تبلیغ، گفتار





از مهمترین شیوه‌های تبلیغ گفتاری پیامبر ابراز عقیده و هدف خود از ابتدای رسالتش بود.

محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسی است که از پیامبرش سرمشق گیرد و قدم در جای او گذارد.^۱ و چه زیباست گفتار ولی امر مسلمین حضرت آیه الله خامنه‌ای که فرمودند: «ملت ما درسهای پیغمبر را باید مرور کند و آنها را به درس‌های زندگی و برنامه‌های جاری خود تبدیل کند. ملت ما به شاگردی مکتب نبوی و درس محمدی صلی الله علیه و آله افتخار می‌کند.»

تبلیغ گفتاری

منظور از تبلیغ گفتاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مواردی است که آن حضرت در جهت اجرای رسالت و تبلیغ خویش از بیان و گفتار استفاده نموده‌اند که به برخی از موارد گفتاری آن اشاره خواهد شد. و بجاست در ابتدا نگاهی به شیوه سخنرانی آن حضرت داشته باشیم تا به تأثیرپذیری کلام پیامبر صلی الله علیه و آله در عمق جان مخاطب پی ببریم.

ویژگی‌های سخنرانی نبی اکرم صلی الله علیه و آله

امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: از دابی خود، هند بن ابی‌هاله تمیمی که درخصوص اوصاف پیامبر اطلاع بسیار داشت، خواستم که درباره چگونگی

یکی از راههای حفظ و بقای دین، تبلیغ و رساندن احکام شریعت به نسل حاضر می‌باشد. نسل حاضری که مورد تهاجم و بمباران انواع و اقسام عقائد پوچ و باطل قرار گرفته است. و هر چه علم و تکنولوژی و وسائل ارتباطات جمعی پیشرفت می‌کند بر مشکلات و معضلات روحی و روانی، اخلاق، عقیده، و جنسی او نیز هم افزوده می‌شود. تا سرانجام جدای از معنویت و اخلاق و معیارهای انسانی زندگی کند. حال بر مبلغین اسلامی، لازم است که ندای توحید و آداب و رسوم حیات‌بخش اسلامی را به گوش جهانیان برسانند. و انجام این رسالت تنها از راه تبلیغ صحیح، منسجم و دارای برنامه امکان‌پذیر است. و بهترین الگو می‌تواند همان آورنده پیام الهی و مُبدع این شریعت یعنی حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله باشد، تا مبلغین دینی با بررسی روش‌های تبلیغی آن حضرت به خوبی دریابند که چگونه می‌توان در مخاطب خویش نفوذ نموده و با امکانات موجود پیام الهی را به گوش جهانیان رسانید. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «به راه و رسم (سیره) پیامبرتان اقتدا کنید که بهترین راه و رسم‌هاست: و رفتارشان را با روش پیامبر صلی الله علیه و آله تطبیق دهید که هدایت‌کننده‌ترین روشها است.»^۲ و «از پیامبر پاک و پاکیزه پیروی کن، زیرا راه و رسمش سرمشقی است برای کسی که بخواهد تأسی جوید و انتسابی است برای کسی که بخواهد منتسب گردد و



نمی‌کرد، تا او خود سخن خویش را تمام کند. یا با برخاستن کسانی مجلس پایان پذیرد. حق صحبت هر یک از هم‌نشینان خود را ادا می‌کرد. تا چنان نباشد که یکی چنان بیندیشد که دیگری را بر او ترجیح نهاده است.

پیامبر اکرم ﷺ در سیره تبلیغی خود در برخورد با اهل کتاب هیچگاه پیامبران و ادیان گذشته و عقاید صحیح آنان را نفی ننمود.

سخن گفتن پیامبر ﷺ با من سخن گوید:

تسمرده سخن می‌گفت

درباره سخن گفتن پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «اگر کسی آن را می‌شمرد می‌توانست بشمارد.»^۲

او گفت: پیامبر جز در هنگام نیازمندی سخن نمی‌گفت، همه دهان را باز نمی‌کرد. کلامش تمام و جامع بود و کاستی و افزونی نداشت. نرم و ملایم بود. نه خشک بود و نه بی‌هیبت، زبانش را جز در

پرهیز از یکنواختی در گفتار

آمده است که: زمانی که پیامبر خطبه می‌خواند و یاد قیامت می‌کرد صدای خود را بلند می‌کرد و چهره‌اش قرمز می‌شد.»^۴

آنچه به او مربوط می‌شد نگاه می‌داشت و مردمان را به خود جلب می‌کرد، نه اینکه کاری کند که مایهٔ رمیدن ایشان شود. از مردمان دربارهٔ آنچه میان ایشان می‌گذشت می‌پرسید. پس کار نیک را نیک می‌شمرد و تشویق می‌کرد. و کار زشت را زشت معرفی می‌کرد و به نکوهش می‌پرداخت. از

استعانت از خدا

پیامبر اکرم ﷺ با مقام عصمتی که در گفتار و رفتار داشت اما دائماً از خداوند می‌خواست که او را در امر ابلاغ رسالتش یاری کند و از انحراف رفتن خود و دیگران او را نگاه‌داری کند و می‌فرمود: «خدایا، به تو پناه می‌برم از این که گمراه کنم یا گمراه شوم، منحرف کنم یا منحرف شوم، ستم کنم یا مورد ستم قرار بگیرم، دیگران را به نادانی کشانم یا خود گرفتار آن شوم، خدایا، پناهنده به تو، عزیز است و ستایش تو عظیم، و خدایی جز تو نیست.»^۵

را نیک می‌شمرد و تشویق می‌کرد. و کار زشت را زشت معرفی می‌کرد و به نکوهش می‌پرداخت. از خشکی و درشتی و فریادزنی و بدگویی و عیبجویی و مداحی به دور بود. خود را از سه چیز نگاه می‌داشت: مجادله، پرگویی و پرداختن به چیزی که به او ربطی نداشت. و به سه چیز از مردمان کاری نداشت: هیچ‌کس را مذمت نمی‌کرد و عیب نمی‌گرفت و درصدد یافتن پوشیده‌ها و لغزش‌های کسی بر نمی‌آمد و تنها در وقتی سخن می‌گفت که امید رسیدن به ثوابی از آن داشت. در برابر طرز گفتار و پرسش و درشتی‌های معاشرت شخص بیگانه و غریب صبور بود. سخن کسی را قطع





بیان استراتژی تبلیغ

از مهمترین شیوه‌های تبلیغ گفتاری پیامبر ابراز عقیده و هدف خود از ابتدای رسالتش بود. پیامبر اکرم ﷺ با صراحت فرمود: همانا من فرستاده خدایم، شما را دعوت می‌کنم به پرستش خدای تنها و رها کردن پرستش بتهایی که سود نمی‌دهند و زیانی ندارند و نمی‌آفرینند و روزی نمی‌دهند و زنده نمی‌کنند و نمی‌میرانند.^۴

و این صراحت در بیان هدف همان خط مشی است که خداوند در ابتدای رسالت و تبلیغ برای پیامبر ﷺ مشخص می‌نماید که: «بگو من مأمورم که «الله» را بپرستم؛ و شریکی برای او قائل نشوم! به سوی او دعوت می‌کنم؛ و بازگشت من به سوی اوست!»^۲

از جمله دلایل پیروزی پیامبر اکرم ﷺ در تبلیغ بیرهیز آن حضرت از خشونت‌گرایی و انجام اموری که باعث ایجاد تنفر در مردم بشود را می‌توان نام برد.

که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم.^۸ «و بگویند: «ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده‌ایم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم!»^۹ و سایر آیات دیگر.^{۱۰} پیامبر اکرم ﷺ در دعوت سران دُول و رهبران مذهبی جهان در نامه‌های خویش می‌نوشت: «به نام خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب. (این نامه است) از محمدیغمبر خدا به اسقف نجران خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب را حمد و ستایش می‌کند و...»^{۱۱}

بهره‌برداری از نقاط مشترک

پیامبر اکرم ﷺ در سیره تبلیغی خود در برخورد با اهل کتاب هیچگاه پیامبران و ادیان گذشته و عقاید صحیح آنان را نفی نمود. بلکه از نقاط اشتراک بین ادیان گذشته و دین اسلام استفاده نموده و با تأیید و صحه گذاشتن بر آنها راهی را در جهت نفوذ در قلوب اهل کتاب مورد بهره‌وری قرار داد؛ و خداوند نیز روی این نکات مشترک در قرآن تأکید می‌نماید و می‌فرماید: بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است:

تبلیغ از راه مجادله

خداوند تبارک و تعالی در خطابی به پیامبر اکرم ﷺ شیوه‌های گفتاری در تبلیغ را یادآور می‌شود که در مقابل دوست و دشمن از آن می‌توان استفاده نمود. قرآن می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^{۱۲} با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن.» و یکی از راههای تبلیغی نبی اکرم ﷺ برای اثبات حقانیت دین و کلام وحی

مقدمه

سیره تبلیغ گفتاری نبی اکرم ﷺ این بود که برطبق میزان درک و عقل اصحاب سخن می گفتند.

احتجاج نمودن با مخالفان مانند یهود، نصاری، دهری، مانوی، بت پرستان، ناصبیهها و منافقین بوده است. که از قول آن حضرت روایت است که «ما در دین خدا از مقام احتجاج و مجادله خود را کنار نکرده و به زبان و طریقه و روش هفتاد پیغمبر برای مجادله کردن با مخالفین آیین حق حاضریم.»^{۱۳} علامه طباطبایی رحمته الله علیه درباره عناصر و شرایط جدال احسن و تبلیغ از راه مجادله را این گونه می فرماید: «جدال کننده باید از آنچه باعث برانگیختن انکار و دشمنی بیشتر مخالف باشد، بپرهیزد و همینطور باید از بکارگیری مقدمات دروغ - هر چند مورد قبول دشمنش باشد - دوری کند، مگر آنکه جنبه مناقضه داشته باشد، و نیز باید آن بی قلی در گفتار، سوء تعبیر و توهین به دشمن و مقدسات وی اجتناب ورزد، از فحش، ناسزا و هر نادانی دیگر بپرهیزد، زیرا در این صورت همراه با احیای حق، باطل را نیز زندگی می بخشد و این خود، از بین بردن حق است. جدال بیش از موعظه به حسن و نیکویی نیازمند است. بدین خاطر خداوند اجازه داده که موعظه حسنه باشد ولی جواز مجادله را احسن بودنش مشروط ساخته است.»^{۱۴}

پرهیز از خشونت

از جمله دلائل پیروزی پیامبر اکرم ﷺ در تبلیغ پرهیز آن حضرت از خشونت گرایي و انجام اموری که باعث ایجاد تنفر در مردم بشود را می توان نام برد. عدم خشونت گرایي از جمله سفارشات بود که دائماً پیامبر اکرم ﷺ اصحابش را به آن متذکر می شدند، و آنها را از رفتار و گفتار غیر عقلانی به ویژه در جنگها منع می نمود. اسامه بن زید در میدان جنگ یک تن را به نام «تهیک بن مرداس» دنبال کرده و چون شمشیر کشید، او گفت: «لا اله الا الله» اما اسامه او را کشت. نزد پیغمبر ﷺ رسید و گزارش داد. پیغمبر ﷺ فرمود: او را کشتی و حال آنکه «لا اله الا الله» گفت؟ اسامه گفت: «برای فرار از مرگ شهادت داد؛ پیغمبر ﷺ فرمود: «چرا دلش را نشکافتی تا ببینی راست می گوید یا دروغ؟»^{۱۵}

سخن گفتن بر معیار درک مخاطبین

سیره تبلیغ گفتاری نبی اکرم ﷺ این بود که برطبق میزان درک و عقل اصحاب سخن می گفتند. چرا که فرمود: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمَرْنَا أَنْ نَكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ»^{۱۶}؛ ما گروه پیامبران دستور داریم که با مردم به اندازه عقل آنان سخن بگوییم» و قرآن نیز می فرماید: «ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قوش، نفرستادیم؛ تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد.»^{۱۷} که تنها زبان قوم ملاک و مراد نیست بلکه میزان توانایی و درک و فهم آنان نیز

مهم است. و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اصحاب و مبلغین خویش می فرمود: «وقتی با مردم سخن می گوید، چیزی را که نمی فهمند، یا فهم آن برایشان دشوار است، به ایشان نگوید.»^{۱۸}

و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز فرموده اند: «كَلِّمُوا النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ؛ با مردم به اندازه عقل های آنان سخن بگویند.» و این به آن معناست که مبلغان هیچ گاه مردم را در نهایت و کمال عقل ندانند که اگر اینطور بود دیگر لازم نبود پیامبر یا کتاب از جانب خدا فرستاده شود اما به خاطر تفاوت عقول و میزان درک و شعور بین انسانها، پیامبران هم در روشهای تبلیغی و ابلاغ رسالت خویش راههای متفاوتی را بیموده اند.

بیان ساده

یکی از وظایف پیامبران در تبلیغ، بی پیرایه و بدون تکلف سخن گفتن است. تا همگان در هر سطوح علمی و فکری باشند بتوانند پیام را دریافت کنند. درباره سیره گفتاری آن حضرت، امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: «وَ كَانَ كَلَامُهُ فَصْلًا، يَتَّبِعُهُ كُلُّ مَنْ سَمِعَهُ»^{۱۹}؛ کلامش روشن بود به طوری که هر شنونده آن را می فهمید» و یا این که آورده اند: «چون سخن می گفت به طور فصل و قاطع می گفت، و هر کس آن را می شنید، می فهمید و ابهامی نداشت»^{۲۰}

مقدمه

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرهیز نمودن از گفتن سخنان لغو و بیهوده را از نشانه های یک مسلمان خوب و اسلام کامل می داند.

سخنرانی کوتاه

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زیاده گویی را باعث قساوت دلها می داند و می فرماید: «لَا تَكْثُرُوا الْكَلَامَ بغيرِ ذِكْرِ اللَّهِ؛ فان كثرة الكلام بغير ذكر الله قسوة القلب»^{۲۱}؛ در غیر از یاد خدا بسیار سخن مگویند زیرا بسیار گویی در جز یاد خدا موجب سختدلی است» و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «خداوند پیامرزد کسی را که زیاده گویی خود را مهار کند»^{۲۲} امام علی عَلَيْهِ السَّلَام درباره سخن گفتن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید «و كان اقصر الناس خطبة»^{۲۳}؛ خطبه اش از همه خطبه ها کوتاه تر بود»

پرهیز از سخنان بیهوده

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرهیز نمودن از گفتن سخنان لغو و بیهوده را از نشانه های یک مسلمان خوب و اسلام کامل می داند و می فرماید: «من حُسنِ اسلامِ المرءِ تَرَكَهُ الْكَلَامَ فِيمَا لَا يَعِينُهُ»^{۲۴}؛ از نشانه های نیکویی اسلام شخص، دم فرو بستن از بیهوده گویی است» امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید که روش پیامبر این گونه بود که: «خطبه اش از همه خطبه ها کوتاه تر و از بیهوده گویی به دور بود»^{۲۵} و یا «قد ترك نفسه

من الاكثار و مما لا يعنيه^{۲۶}؛ پیامبر خود را از پر حرفی و گفتن مطالب بی‌فایده دور می‌ساخت»

انتخاب زمان مناسب

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «من از بیم خسته شدن شما، برای موعظه کردن به دنبال فرصت مناسب می‌گردم»^{۲۷}. بنابراین گاهی تأثیر خاموش بودن بهتر از سخن گفتن و به موقع سخن گفتن هنر است.

نیاز زدن مخاطب با کلمات

مبلغ باید در زمان برخورد با مخاطبین و سخن گفتن با آنان، از ایراد سخنانی که باعث ایجاد نفرت و کدورت می‌شود پرهیز نماید. و از گفتن الفاظ و القابی که مورد پسند و پذیرش مخاطبین نیست دوری نماید و درباره رعایت این نکته اخلاقی و اسلامی از سوی نبی اکرم ﷺ در هنگامه ایراد سخن، امام علی ع می‌فرماید: «ر کان لا یکلم احداً بشئ یکرهه^{۲۸}؛ با هیچ کس سخنی که مورد پسند طرف نبود ایران نمی‌کرد» و پر واضح است که مراعات نمودن احساسات درونی مردم و احترام قا ثل شدن برای شخصیت افراد و نیاز زدن آنان به وسیله نیشهای زبان از عوامل مهم جذب مخاطبین خواهد بود.

سخن گفتن بر اساس علم و استناد

سیره پیامبر خدا در سخن گفتن و پاسخ به سؤالات این چنین بود که اگر جواب سؤالی را نمی‌دانست

به صراحت می‌فرمود نمی‌دانم. نقل شده است که مردی از رسول خدا ﷺ پرسید: کدام سرزمین بهتر و کدام برتر است؟ حضرت فرمود: تا از جبرئیل نپرسم، نمی‌دانم.^{۲۹} بنابراین مبلغ سؤال یا شبه‌ای را که قدرت بر جواب دادن آن را ندارد هرگز مطرح نکند و وارد گفتمان نشود. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «گاهی دیده می‌شود گوینده یک مجلس، مطلبی را نقل می‌کند که هم از لحاظ استدلال و مدرک عقلی یا نقلی سست است و هم از لحاظ تأثیر، در ذهن یک مستمع مستبصر و اهل منطق و استدلال، ویرانگر است».

رعایت اولویت‌ها

هنگامی که پیامبر معاذ بن جبل را به سوی مردم یمن فرستاد به او فرمود: تو نزد گروهی از اهل کتاب می‌روی، از این رو می‌باید نخستین دعوت تو از آنان، یکتاپرستی خداوند متعال است. اگر توحید را شناختند به آنان بازگو که خداوند در شبانه‌روشان پنج نماز بر آنان واجب کرده است و هرگاه نماز را به پای داشتند به آنان بگو که خداوند در اموالشان زکات قرار داده تا از بی‌نیازشان ستانده شود و به تهی دستشان داده شود. پس هرگاه بدان اذعان کردند از آنان زکات بگیر و از گزیده اموال مردم اجتناب کن^{۳۰} و از این دستورالعمل پیامبر می‌توان استفاده نمود آن است که تبلیغ باید مرحله‌ای و تدریجی باشد.

تشویق به تبلیغ عمومی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آنکه بتواند سرعت روند تبلیغات و پیام‌رسانی خود را به همه افراد جامعه و سایر بلاد بیشتر نماید اعلان بسیج عمومی برای تبلیغات و ابلاغ سخنان خویش به دیگر افراد می‌نماید. سیره تبلیغی آن حضرت بدین گونه بود افراد که با معارف اسلامی آشنا و آگاه بودند و قدرت تبلیغ و بیان مبانی دین را برای دیگران داشتند امر به هجرت می‌فرمود. و مانع تجمع آنان در یکجا می‌شد. از باب نمونه اینکه می‌فرماید: «برخیزید و بیک رسالت، در نقاط دوردست شوید و ندای توحید را به سمع جهانیان برسانید.»^{۳۱} و در آنجایی که می‌خواهد از استعداد های

عموم مردم در جهت تبلیغ استفاده نماید و مردم را نیز دخیل در امر تبلیغ نمایند همگان را تشویق به

انجام تبلیغات می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پیغمبر صلی الله علیه و آله در مسجد خیف برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: خدا خرم و شادان کند - بلندقدر و نیکو مرتبه سازد - بنده‌ای را که سخنم بشنود و در گوش گیرد و به کسانی که نشنیده‌اند برساند، ای مردم: حاضرین به غائبین برسانند: زیرا بسا حاصل عملی که دانشمند نباشد و بسا رساننده عملی که به داناتر از خود رساند. سه چیز است که دل هیچ فرد مسلمانی با آن خیانت نکند، خالص نمودن عمل برای خدا و خیرخواهی پیشوایان مسلمین و همراه با جماعت بودن ایشان، زیرا دعوت مسلمین افراد دنبال سرشان را هم شامل می‌شود...^{۳۲}

عدم وابستگی جناحی

وابستگی به یک جناح سیاسی یا حزب و گروه و قبیله‌ای خاص، موجب از دست دادن سایر مخاطبان خارج از آن گروه می‌شود. زمان ورود پیامبر به مدینه بزرگان قبائلی چون، رانواء، بنی بیاضه، بنی سالم، بنی ساعده، بنی حارث از آن حضرت دعوت نمودند تا در قبیله آنها سکونت کند ولی حضرت قبول نکرد.^{۳۳} و حتی مردم را از گرایش به سوی قبیله‌گرایی منع می‌کرد، در عهدنامه «عمرو بن حزم» می‌فرماید: اگر در میان مردم گرایش و دعوت به قبیله‌گرایی و عشیره‌گرایی وجود دارد ایشان را از آن نهی کند...^{۳۴}.

تبلیغ ارزشها

تبلیغ از ارزشهای اسلامی و انسانی و سعی و تلاش در حفظ و حراست آنها از جمله شیوه‌های تبلیغ نبی اکرم صلی الله علیه و آله بود. درباره ارزش نهادن به حرکت‌های انقلابی و حماسی حضرت علی علیه السلام در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله بدان مقدار زیاد است که از وسع این نوشتار خارج است، که تنها به یک مورد آن اکتفا می‌شود. در جنگ خندق وقتی علی علیه السلام در مقابل قهرمان نامی عرب «عمرو بن عبدود» قرار می‌گیرد، به پاس این فداکاری مهم و ارزش نهادن بر این عمل بی‌نظیر فرمود: «ضربة علی يوم الخندق افضل من عبادة الثقلين؛ ارزش ضربتی که علی علیه السلام در روز خندق بر



تشبیه معقول به محسوس

تبدیل معانی کلمات عقلانی که قابل درک همه افهام نیست به واژه‌ها و معانی که ملموس و قابل فهم همگان باشد از نیازهای ضروری یک مبلغ برجسته و خلاق است. در سیره تبلیغ گفتاری آن پیامبر می‌بینیم که با تأسی به قرآن کریم^{۳۶} با تشبیه کردن معقولات به محسوسات و استفاده از امثال و تشبیه سعی در اقناع مخاطب خود داشته است که می‌توان به نمونه‌ای از آن اشاره نمود. ابوذر می‌گوید شنیدم که نبی اکرم صلی الله علیه و آله برای شناساندن مقام و منزلت اهل بیت علیهم السلام فرمود:

«اجعلوا اهل بیتی منکم مکان الرأس من الجسد و مکان العینین من الرأس، فان الجسد لا یهدی الا بالرأس و لا یهدی الرأس الا بالعینین»^{۳۷}؛ اهل بیت مرا در میان خود، به منزله سر در بدن بدانید و به جای دو چشم در سر تلقی کنید، زیرا تا سر نباشد، بدن راه به جایی نمی‌برد و تا چشم نباشد، سر راهی را پیدا نمی‌کند.

استفاده تبلیغی از حوادث طبیعی

حوادث طبیعی می‌تواند بهترین بستر مناسب برای تبیین اهداف تبلیغی و ارشاد و هدایت مردم از سوی مبلغ باشد؛ زیرا مردم خود در متن حوادث حضور دارند و تنها این مبلغ است که با بهره‌برداری بجای، افکار عمومی را در جهت صحیح قرار بدهد و آنها را از گمراهی و جهالت نجات دهد. که در

مبلغ باید در زمان برخورد با مخاطبین و سخن گفتن با آنان، از ایراد سخنانی که باعث ایجاد نفرت و کدورت می‌شود پرهیز نماید.

دشمن فرود آورد از عبادت جهانیان برتر است.» و یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدیجه کبری با احترام زیادی نام می‌برد. درباره علت تعریف و تمجید پیامبر از خدیجه، عایشه می‌گوید که: «روزی هاله خواهر خدیجه به دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند حضرت بعد از دیدن هاله و صدای او به یاد خدیجه افتاد و به شدت دگرگون شد. من با اعتراض به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم که مدت‌ها است از مرگ او می‌گذرد و خداوند بهتر از آن پیرزن را به تو عنایت کرده است. که در جواب اعتراض من، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه... هرگز خداوند نیکوتر از او را به من عوض نداده است. زیرا هنگامی که همه مردم منکر رسالتم بودند، خدیجه بود که به من ایمان آورد و در آن وقت که دروغگویم می‌پنداشتند، خدیجه بود که مرا تصدیق کرد، و آن زمان که مردم مرا در مضیقه مالی گذاشته بودند، هم خدیجه بود که مرا شریک دارائی بی‌حسابش گردانید.»^{۳۵} و همچنین تجلیل‌هایی که از دخترش فاطمه زهرا علیها السلام و سعد بن ربیع، نجاشی و افراد جوانی چون اسامه و حنظله از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده است.





سیره تبلیغی آن حضرت بدین گونه بود افراد که با معارف اسلامی آشنا و آگاه بودند و قدرت تبلیغ و بیان مبانی دین را برای دیگران داشتند امر به هجرت می فرمود. و مانع تجمع آنان در یکجا می شد.

پیامبر ﷺ بی درنگ به آنها فرمود: «تخواندن نماز به خاطر اندوه زیاد نبود بلکه خداوند بر من فرمان داده که بر جنازه کسی که نماز می خواند - مکلف - نماز بخوانم.» هنگام دفن جنازه ابراهیم، حضرت علی رضی الله عنه داخل قبر شد، بعضی از حاضران گفتند: «بنابر این وارد شدن انسان به داخل قبر فرزندش حرام است» پیامبر ﷺ به آنها فرمود: «ورود پدر به قبر فرزندش حرام نیست، این که من وارد قبر فرزندم نشدم به این علت بود که مبادا با باز کردن کفن فرزندم، چشمم به او بیفتد و بی تاب گردم و در نتیجه پاداشم در نزد خدا تباه شود.» به این ترتیب پیامبر ﷺ در یک حادثه طبیعی به طور سریع از سه امر بی اساس جلوگیری فرمود.^۳

ادغام شوخی با تبلیغ

در سیره نبی اکرم ﷺ آمده است که آن حضرت در برخورد با اصحاب خود گاهی مزاح و شوخی انجام داده است. و همچنین به آنان سفارش می نموده است که تفریح و بازی را ترک نمایند، و علت آن را نیز چنین فرموده است که:

سیره نبوی ﷺ به مواردی از آن اشاره شده است. از قبیل اینکه؛ روزی اصحاب دیوانه‌ای را به پیامبر اکرم ﷺ معرفی کردند آن حضرت فرمود:

«بل هذا رجل مصاب، انما المجنون عید او امة ایلیا شباهما فی غیر طاعة الله^{۳۸} این شخص مریض و بیمار است. دیوانه آن مرد و زنی هستند که جوانی خود را در غیر فرمانبرداری خدا مصرف کرده باشند.»

مبارزه با خرافات

در جریان فوت ابراهیم فرزند پیامبر، خورشید گرفت. مردم گفتند: «خورشید نیز در مرگ ابراهیم غمگین شد و این نشانه عظمت پیامبر است» هر چند که حضرت می توانست این قضیه را نشانه‌ای برای عظمت خود قرار دهد. اما پیامبر ﷺ قبل از دفن جنازه ابراهیم، مردم را به مسجد دعوت کرد و بالای منبر رفت و فرمود: همانا خورشید و ماه دو نشانه از نشانه‌های خدایند، برای مرگ یا زندگی کسی نمی گریند، پس هرگاه چنان دیدید، به مسجدهای خود پناه برید و نماز آیات بخوانید» سپس از منبر پایین آمد و نماز آیات را با جماعت خواندند و بعد به علی رضی الله عنه فرمود: «پیکر فرزندم ابراهیم را برای دفن آماده کن» حضرت علی او را غسل داد و کفن کرد. و سپس حاضران او را دفن نمودند، چون نماز بر جنازه ابراهیم خوانده نشد، بعضی از حاضران گفتند پیامبر ﷺ بر اثر اندوه زیاد نماز بر جنازه فرزندش را فراموش کرده!

مهمترین ویژگی نبی اکرم ﷺ این بود که، حضرت شوخی را برای لَهو و لعب با ترساندن دیگران یا خوار و حقیر کردن افراد انجام نمی‌داد!

«الهُوا و العُبا فانی اَکره ان یری فی دینکم غلظة»^{۴۰} به تفریح و بازی پردازید که من دوست ندارم در دین شما غلظت و خشونت دیده شود» و از جمله دلائل مزاح پیامبر اکرم ﷺ را رفع ابهت آن حضرت ﷺ ذکر کرده‌اند. شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله شوخی می‌کرد؟ حضرت فرمودند: خداوند در قرآن پیامبر را به داشتن خلق و خوی بزرگ وصف می‌کند که همان شوخ‌طبعی و خنده‌رویی آن حضرت می‌باشد. زیرا خداوند برانگیخت پیامبران گذاشته را در حالی که دارای نوعی گرفتگی و عبوسی بودند. اما مبعوث کرد حضرت محمد صلی الله علیه و آله را با رحم و مهربانی، و از نشانه‌های مهربانیش برای مردم همان مزاح و شوخی بود تا دچار هیبت و بزرگی شخصیت آن حضرت نگردند تا جایی که جرأت نکنند به او حتی نگاه کنند^{۴۱}. اما مهم‌ترین ویژگی نبی اکرم ﷺ این بود که، حضرت شوخی را برای لَهو و لعب با ترساندن دیگران یا خوار و حقیر کردن افراد انجام نمی‌داد! بلکه از آن بهره تبلیغی می‌برد. در این باره نبی اکرم ﷺ می‌فرماید: «اتّی امزح و لا اقول الا حقاً»^{۴۲} من شوخی می‌کنم، اما جز

حق نمی‌گویم» شواهد متعددی وجود دارد که آن حضرت در بیان مزاح با افراد علاوه بر ایجاد روحیه نشاط در مخاطب به بیان حقایق و نشر معارف پرداخته است. از باب نمونه اینکه: پیره زنی نزد پیامبر آمد تا برایش دعا کند که به بهشت برود حضرت به او فرمود: پیر به بهشت نمی‌رود. پیر زن گریست حضرت فرمود: در آن روز تو پیر نخواهی بود خدای متعال می‌فرماید ما آنان را پدید آوردیم پدید آوردنی و ایشان را دوشیزه گردانیم.^{۴۳}

پیامبر ﷺ و تبلیغ علم

پیامبر اکرم ﷺ در راه رشد و تعالی علمی جامعه دو حرکت مهم را از خود نشان داد.

حرکت اول: ایجاد تحول علمی در خود

نبی اکرم ﷺ با آنکه به معدن وحی الهی متصل بود و علم اولین و آخرین را در اختیار داشت؛ اما از درگاه الهی و منبع علم لامتناهی می‌خواهد که بر میزان علم او افزوده شود و عرض می‌کند: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»^{۴۴} پروردگارا، علم مرا افزون کن» و آنقدر در راه کسب دانش به ویژه علمی که او را به خداوند نزدیک نماید اهتمام می‌ورزد که می‌فرماید:

«اذا اتی علیّ یوم لا ازاد فیهِ علماً یقرّینی الی الله تعالی فلا بورک لی فی طلوع الشمس ذلک الیوم»^{۴۵} اگر روزی فرا رسد و در آن روز دانشی که مرا به خدا نزدیک کند بر من افزوده نشود، طلوع آفتاب آن روز بر من مبارک مباد.»



رسول اکرم ﷺ دانم متذکر می‌شدند که تنها برای خدا کار می‌کنم و مزد زحمات خویش را از او می‌خواهم.

اهتمام در تبلیغ

نبی اکرم ﷺ در راه تبلیغ دین، خود را به زحمت زیادی می‌انداخت و سخت‌ترین مشکلات و اذیتها را متحمل می‌شد تا آنجا که از شدت شکنجه‌ها و فشارهای روحی و جسمی فرمود: «ما اوذی نبی مثل ما اوذیت؛ هیچ پیامبری ﷺ مثل من مورد اذیت و آزار قرار نگرفت»^{۴۶} و وقتی می‌بیند که مردم در جهل و گمراهی بسر می‌برند و از حق گریزانند و ایمان نمی‌آورند آثار غم و اندوه زیاد در چهره مبارکش هویدا می‌شد که قرآن پیامبر ﷺ را به خاطر این نگرانی دلداری داده است و فرموده است: «لعلک باخع نفسک ألا یکونوا مؤمنین»؛ گویی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی بخاطر اینکه آنها ایمان نمی‌آورند!» در جای دیگر پیامبر ﷺ آن مقدار دغدغه خاطر تبلیغ دین را دارد که بعد از مرگ ابوطالب، مشرکان قریش که قصد کشتن نبی اکرم ﷺ را گرفتند آن حضرت خود را بر قبیله‌های عرب عرضه می‌داشت و از بزرگان و رؤسای قبائل می‌خواست که فقط او را پناه دهند و از جان او دفاع کنند تا بتواند تبلیغ خویش را انجام دهد و به آنان می‌فرمود: کسی از شما را مجبور نمی‌کنم و تنها خواهش من آن است

و به اصحاب خویش در زمینه طلب علم و ارتقای سطح علمی خود سفارش می‌نمود که:

روز خود را در حالی آغاز کن که دانشمند یا دانشجو یا شنونده دانش یا دوستدار دانش باشی و از گروه پنجم مباش که هلاک و نابود شوی.^{۴۶} بنابراین اگر مبلغی در این عرصه گسترده علم و هنر مغرور اندوخته‌های خود گردد و خویشتن را بی‌نیاز از دانستن بداند که چنین ادعایی با هر بنیه علمی از نظر پیامبر اکرم ﷺ دلیل بر نادانی و جهالت اوست. حضرت می‌فرماید: «من قال: انی عالمٌ فهو جاهل»^{۴۷}؛ هر که بگوید: من دانا هستم او نادان است.»

حرکت دوم: ایجاد تحول و فرهنگی در جامعه

از مواردی که پیامبر اکرم ﷺ در دوران تبلیغ خود بر روی آن تأکید و سرمایه‌گذاری زیادی نمود مسئله تعلیم دادن اصحاب و تشویق آنان به کسب علم و بالا بردن سطح آگاهی آنان بود. و در تبلیغ گفتاری و عملی خود از وجوب طلب علم و فواید آن و برتری علما و دانشمندان بر جاهلان و عابدان و همچنین دستورات عملی خود تأکید بسیاری فرموده است که تنها به ذکر یک مورد بسند می‌گردد. روز قیامت مردی را می‌آورند با حسناتی چون ابرهای انبوه یا کوه‌های استوار. او می‌گوید پروردگارا اینها را من انجام نداده‌ام از کجا آمده‌اند؟ خداوند می‌فرماید: اینها همان دانشی است که به مردم آموختی و بعد از تو به آنها عمل می‌شد.^{۴۸}

که مرا از کشته شدن نگهداری کنید تا پیامهای پروردگارم را برسانم.^{۵۱}»

مزد تبلیغ

سران مشرک مکه با معیارهای مادی خویش به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند: «اگر این کارها را به منظور پیدا کردن مال و ثروت انجام می‌دهی ما حاضریم آنقدر مال و ثروت در اختیار تو بگذاریم که ثروتمندترین ما گردی و اگر به دنبال شخصیت و ریاست هستی ما بی‌آنکه این سخنان را بگویی حاضریم تو را به ریاست خود انتخاب کنیم و اگر طالب...»^{۵۲} که رسول اکرم صلی الله علیه و آله دائم متذکر می‌شدند که تنها برای خدا کار می‌کنم و مزد زحمات خویش را از او می‌خواهم. «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛^{۵۳} من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی‌طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! و یا می‌فرمود: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ»؛^{۵۴} من از شما پاداشی نمی‌طلبم و چیزی بر شما تحمیل نمی‌کنم» و در مقابل پیشنهادات مادی مشرکین ذره‌ای تزلزل و تردید در تبلیغ نسبت به انجام وظیفه به خود راه نمی‌دهد و می‌فرمود: اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم قرار دهند، هرگز از دعوت خود دست برنمی‌دارم. تا این که آن را انتشار دهم یا در راه آن کشته شوم.^{۵۵} و یا می‌فرمود: «ان الله لم يبعثني

لجمع الدنيا والرغبة فيها و انما بعثني لا بلغ عنه و ادلُّ عليه»^{۵۶} خدا مرا برای جمع دنیا و جاذبه‌های آن نفرستاد، بلکه برگزید تا پیامش را برسانم و مردم را به سوی او رهبری کنم. و اگر می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛^{۵۷} بگو من هیچ اجر و پاداشی بر این موضوع از شما درخواست نمی‌کنم، جز اینکه ذوی القربای مرا دوست دارید.» این سفارش به محبت اهل بیت علیهم السلام در مقابل مزد رسالتش، هیچ‌گونه منافاتی با جایی که می‌فرماید: تنها مزد رسالتم را از خدا می‌خواهم ندارد. زیرا نبی اکرم صلی الله علیه و آله هیچ منفعتی را برای خود در نظر نمی‌گیرد بلکه باز هم قدم در راه سعادت و هدایت مردم برمی‌دارد، و چراغ‌های فروزانی را برای شهبای تار جهل و جهالت انسانها و امت خویش باقی گذارد و ادامه دهنده‌ای برای راه خود و مفسرانی برای کتاب الهی قرار دهد.

آخرین تبلیغ‌های گفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله

سال دهم هجرت به علت وقوع حوادث مهم سال پرفراز و نشیبی برای پیامبر و بویژه دنیای اسلام بود. بررسی گفتارهای تبلیغی و سخنان آن حضرت در تحکیم مواضع اصولی و بنیادین، دین بسیار حائز اهمیت است که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱. سفارشات به قرآن و سنت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مراسم حجة الوداع برای مردم



سخنرانی نمود، و شخصی را که دارای صدای بلندی بود دستور داد تا سخنانش را تکرار کند. حضرت چکیده مهمی از رسالت و دوران تبلیغ خویش را برای مردم بازگو نمود و بعد به یک نکته بسیار مهمی اشاره فرمودند: «هان ای مردم، در سخنان من دقت کنید و ببینیدشید من در میان شما دو چیز به یادگار می‌گذارم که اگر به آنها چنگ بزنید گمراه نمی‌شوید، یکی کتاب خداوند دیگری سنت و گفتار من است.»^{۵۸} و بعد از سخنرانی با انگشت سبابه به طرف آسمانی اشاره نمود و فرمود: بار الٰه‌ها پیامهای تو را رساندم و سه بار فرمود: اللهم اشهد، و به همین جهت است که عده‌ای این حج را «حج بلاغ» نیز نامیده‌اند.

۳. سفارتش به قرآن و عترت

در آخرین روزهای زندگی، نبی اکرم ﷺ با حالت بیماری و مشقت خود را به مسجد رسانید، و فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَشْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي»^{۵۹}؛ من در میان شما، دو چیز گرانبها می‌گذارم تا از آن دو پیروی می‌نمایید هرگز گمراه نمی‌شوید. این دو چیز گرانبها عبارتند از: کتاب خدا و عترت و اهل بیت من.»

۳. سفارتش به پرهیز از گمراهی

در آخرین لحظات عمر پیامبر اکرم ﷺ حضرت فاطمه علیها السلام در کنار بستر پدر حاضر بود و شعری را

که ابوطالب درباره پیامبر گفته بود زمزمه می‌کرد. در این هنگام پیامبر دیدگان خود را گشود، و با صدای آهسته به دختر خود فرمود: «شایسته است به جای آن این آیه را - آل عمران ۱۴۴ - تلاوت نمائید، که می‌فرماید: محمد پیامبر خداست و پیش از او پیامبرانی آمده‌اند و رفته‌اند. آیا هرگاه او فوت کند و یا کشته شود، به آئین گذشتگان خود بازمی‌گردید؟ هر کس به آئین گذشتگان خود بازگردد خدا را ضرر نمی‌رساند و خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد. و این تذکر پیامبر زمانی کارآمد شد که بعد از رحلت آن حضرت، خلیفه دوم، روی عللی در بیرون خانه فریاد زد که پیامبر فوت نکرده و بسان موسی پیش خدای خود رفته است، و بیش از حد در این موضوع (انحرافی) پافشاری می‌کرد و نزدیک بود که گروهی را نیز با خود هم رأی سازد در این میان، یک نفر از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه فوق را برایش خواند و خلیفه دوم با شنیدن این آیه دست از مدعای (باطل) خود برداشت و آرام گرفت.»^{۶۰}

پی نوشت:

۱. نهج البلاغه، مخ ۱۰۹، ص ۳۳۸.
۲. همان، ص ۵۰۹.
۳. کنز العمال، ج ۷، ص ۱۴۶.
۴. بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰۱.
۵. منية المرید، ص ۲۰۵.
۶. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۷۹.
۷. رعد، ۳۶.
۸. آل عمران ۶۴.
۹. آل عمران، ۶۴.
۱۰. آل عمران، ۸۴.
۱۱. فرازهایی از تاریخ پیامبر ﷺ، ص ۴۹۵.
۱۲. نحل، ۱۲۵.
۱۳. ترجمه احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۴.
۱۴. ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۵۳۵.
۱۵. خاتم النبیین، ص ۲۴۸.
۱۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷.
۱۷. ابراهیم، ۴.
۱۸. همان، ص ۲۷۵.
۱۹. سنن النبی، ص ۴۶.
۲۰. خاتم النبیین، ص ۲۸۲.
۲۱. همان، ص ۵۲۴۸.
۲۲. سنن النبی، ص ۴۵.
۲۳. همان، ص ۵۲۴۴.
۲۴. میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۲۴۰.
۲۵. سنن النبی، ص ۴۵.
۲۶. شمائل الرسول، صص ۶۵ - ۶۶.
۲۷. تبلیغ در قرآن و حدیث، ص ۳۶۴.
۲۸. سنن النبی، ص ۴۶.
۲۹. ادب الدنيا والدين، ص ۱۳۸.
۳۰. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۲۶۸۵.
۳۱. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۲۱.
۳۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۵۹.
۳۳. ر.ک. به زندگانی حضرت محمد پیامبر اسلام، ج ۱، صص ۳۲۶ - ۳۲۷.
۳۴. سیره نبوی، دفتر سوم، ص ۵۷۵.
۳۵. نقش عایشه در تاریخ اسلام، ج ۱ - ۳، ص ۹۳.



۳۶. کھف، ۵۴: نور، ۳۵: بقرہ، ۲۶۴: بقرہ، ۲۶۱.
۳۷. همان، ص ۵۳۹۰.
۳۸. مشکاة الانوار، ص ۱۶۹.
۳۹. با استفاده از: تاریخ یعقوبی، ترجمہ محمد ابراہیم آیتی، ج ۱، ص ۴۵۶، و محمد محمدی اشتہاردی، سیرہ چہارده معصوم علیہم السلام، صص ۳۱ و ۳۲.
۴۰. میزان الحکمة، ج ۴، ص ۵۳۴.
۴۱. کشف الریبه عن احکام الغیبه، ص ۱۱۹.
۴۲. میزان الحکمة، ج ۱۱، ص ۵۵۴۶.
۴۳. همان.
۴۴. طہ، ۱۱۴.
۴۵. نهج الفصاحة، ص ۱۲۶.
۴۶. امالی الطوسی، ج ۱، ص ۳۶۷.
۴۷. میزان الحکمة، ج ۸، ص ۲۹۹۸.
۴۸. همان، ص ۳۹۵۴.
۴۹. کنز العمال، ج ۳.
۵۰. شعراء، ۲.
۵۱. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۹۴.
۵۲. زندگانی حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم، ص ۱۵۸.
۵۳. همان، ص ۸۶.
۵۴. شعراء، ۱۰۹.
۵۵. السیرة النبویة، ج ۱، ص ۲۷۸.
۵۶. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴.
۵۷. شورا، ۲۳.
۵۸. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۶۴.
۵۹. همان، ص ۴۹۷.
۶۰. فروغ ابدیت، ج ۲، صص ۴۹۷ - ۴۹۹.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی